

بازخوانی انتخاب آیت الله خامنه ای به رهبری جمهوری اسلامی ایران^۱

مقدمه

جلسه خبرگان ۱۴ خرداد ۱۳۶۸، بی شک یکی از مهم ترین و شاید بتوان گفت مهم ترین روز تاریخ انقلاب اسلامی تاکنون بوده است. اینکه جانشین رهبری اول انقلاب اسلامی در آن روز تعیین شد و جمهوری اسلامی وارد دوران تازه ای شد، مساله ای است که تاکنون در حد اخبار و سالگرد به آن پرداخته شده است اما به صورت دقیق و جز به جز مورد بازخوانی و بررسی قرار نگرفته است، و اینکه بی شک در آن روز انتخابی صورت گرفت که تا زمان حاضر که بیش از ۲۸ سال سپری می شود سرنوشت جمهوری اسلامی ایران را رقم زده است و زمان پیش رو هنوز باقی است و به آن زمان اضافه می شود.

۱۴ خرداد ۱۳۶۸ از چندین حیث تاریخی شد و در تاریخ ماند تا زمانیکه صوت و فیلم جلسه ۷ ساعت آن روز یک روز سرانجام کامل منتشر شود و مشخص شود دقیقاً در آن روز چه مباحثی مطرح شد و چه صحبت هایی شکل گرفت و سرانجام آیت الله خامنه ای به عنوان دومین رهبر جمهوری اسلامی ایران انتخاب شدند.

یکی از آن جهات تاریخی عزل مرحوم آیت الله منتظری دو ماه و نیم پیش از رحلت امام(ره) بود که کشور را در خلا رهبری قرار داد. دوم انتخاب آیت الله خامنه ای بود که شاید هیچکس، حتی خود ایشان نیز گمان این انتخاب را نمی کردند، کما اینکه کسی هم گمان آن را نداشت که امام(ره) در فاصله کمی از عزل آیت الله منتظری در بیمارستان بستری شده و مرحوم شوند. تمامی این ها به علاوه شکل دادن آینده سیاسی ایران باعث شد تا آن جلسه تاریخی و بی نظیر شود.

در این جزوه مختصر کنونی و به دلیل بیست و هشتمین سالگرد تشکیل آن جلسه تاریخی، قصد همین بازخوانی را دارم و اینکه بر اساس شواهد و مدارک و صحبت ها و مصاحبه های انجام شده مشخص شود در جلسه تاریخی خبرگان ۱۴ خرداد ۱۳۶۸ چه گذشت و چه مباحثی مطرح شد؟ به علاوه اینکه به جایگاه فقهی و رهبری آیت الله خامنه ای هم در حد مختصر پرداخته و اشاره شده است.

^۱ سید مهدی دزفولی / ایمیل: sm.dezfouli@gmail.com

بازخوانی زمینه های جلسه خبرگان ۱۴ خرداد ۱۳۶۸

غروب سیزدهمین روز خرداد ۶۸، نقطه شروعی برای آزمون سنگین اولین مجلس خبرگان رهبری بود، روزی که با اعلام خبر رحلت امام خمینی از سوی مرحوم حاج احمدآقا به چند نفر از اعضای مجلس خبرگان که برای عیادت به دیدار امام آمده بودند، بار سنگین انتخاب جانشینی بر دوش نمایندگان مجلس خبرگان نهاده شد تا هر یک از اعضا با هر کلام و انتخاب خود، نقشی ماندگار برای آینده و امنیت کشور رقم بزنند.

آیت الله محمد مومن که در مجلس اول خبرگان سمت منشی هیئت رئیسه را به عهده داشته، در مورد لحظه ارتحال امام و تماس با اعضای خبرگان این گونه روایت می کند:

«از من که منشی اعضای هیات رئیسه خبرگان بودم، خواستند تا با استفاده از تلفن دفتر حضرت امام با کلیه اعضای خبرگان در سراسر کشور تماس گرفته و آنها را به یک جلسه فوق العاده در مجلس شورای اسلامی برای ساعت هشت صبح فردا، دعوت کنم و در عین حال قرار نبود خبری درباره حال حضرت امام داده شود. این تماس ها با توجه به این که تلفن تمامی اعضا را داشتیم تا دقایقی پس از اذان مغرب به طول انجامید و ما پس از ادای نماز، غمگین و ناراحت در بیت امام (ره) نشسته بودیم که حاج احمدآقا (ره) خبر فوت امام را دادند.»^۲

اولین مجلس خبرگان و انتخابی سرنوشت ساز

۷ صبح روز ۱۴ خرداد سال ۶۸، رادیو سراسری ایران با اعلام خبر رحلت امام خمینی (ره)، مردم را در بهت از دست دادن رهبرشان فرو برد، بهتی که در میان تمامی اعضای خبرگان که از سراسر کشور خود را برای شرکت در جلسه اضطراری به تهران رسانده بودند، موج می زد.

آیت الله سیدجعفر کریمی از اعضای دوره اول مجلس خبرگان رهبری در تشریح این لحظات می گوید:

«پس از تلاوت قرآن و قرائت حمد و سوره برای روح ملکوتی امام، دو پاکت سر به مهر که هر یک حاوی نسخه ای از وصیت نامه الهی -سیاسی امام بودند و یکی به آستان قدس رضوی و دیگری در مجلس شورای اسلامی به امانت سپرده شده بودند، باز شدند. قرار بود وصیت نامه را مرحوم آسیداحمد آقا بخوانند که از شدت تأثر نتوانستند و قرائت وصیت نامه به عهده آیت الله خامنه ای گذاشته شد.»^۳

^۲ روزنامه جام جم ۱۷ اسفند ۱۳۸۷

^۳ ویژه نامه جوان ۷ بهمن ۹۴

خبرگان درگیر و دار تصمیم برای شورای رهبری یا رهبری فرد؟

پس از آنکه وصیت نامه امام از طرف رئیس جمهوری وقت، آیت الله خامنه ای قرائت شد، بعد از وقفه ای کوتاه برای نماز ظهر و عصر، نوبت به همان انتخاب مهم رسید؛ «شورای رهبری یا رهبری فردی؟»

سوالی که تمام ثانیه های جلسه عصر را احاطه کرده بود، برخی دلایلی همچون نیاز به تصمیم گیری جمعی برای امور مملکت را به عنوان لزوم تأیید شورای رهبری نام می بردند و برخی هم از بیم اختلاف در شورای رهبری سخن می گفتند.

هاشمی رفسنجانی که در آن برهه نائب رئیس اول آیت الله مشکینی در مجلس خبرگان بود، در کتاب خاطرات سال ۶۸ خود به نام «بازسازی و سازندگی» در تشریح این بخش از مذاکرات مجلس خبرگان که به صورت جلسه غیرعلنی برگزار شد و هنوز هم مسائل مطرح شده در این جلسه به صورت محرمانه باقی مانده است، می نویسد:

«صحبت های زیادی شد. بعضی ها طرفدار رهبری شورایی و بعضی خواهان رهبری فردی بودند. بعضی آیت الله خامنه ای و بعضی ها آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی را مطرح کردند و برای شورا هم اسم هایی برده شد.»

این بخش از خاطرات هاشمی رفسنجانی که معطوف به پیشنهاد انتخاب آیت الله گلپایگانی برای رهبری است، طبق خاطرات ثبت شده مربوط به اقدام مرحوم آیت الله احمد آذری قمی است که به عنوان یکی از اعضای مجلس خبرگان آن مرجع تقلید را برای رهبری پیشنهاد نموده بود.

اما شاید بی مناسبت نباشد که به همین دلیل مواضع مرحوم آیت الله احمد آذری قمی و طرفداران رهبری مرحوم آیت الله گلپایگانی را در جلسه خبرگان سال ۶۸ به صورت اجمالی بررسی کنیم:

آذری قمی و حمایت از رهبری آیت الله گلپایگانی

مواضع آیت الله آذری قمی در اجلاس مورخ ۱۴ خرداد ۱۳۶۸ مجلس خبرگان رهبری دو محور داشت: اول دفاع از رهبری شخصی در قبال رهبری شورایی، دوم دفاع از رهبری آیت الله گلپایگانی و معاونت اجرایی آیت الله خامنه ای.

آیت الله آذری قمی از ابتدا قائل به ولایت فقیه اعلم بود، نهایت امر معاونت اجرایی او یعنی رهبر اجرائیات یا رئیس جمهور می تواند فقیه غیر اعلم، یا مجتهد متجزی یا حتی غیرمجتهد باشد. او تا آخر بر این نظر باقی ماند. وی به ترتیب در زمان حیات این مراجع به اعلمیت ایشان قائل بوده است: آیات بروجردی، خمینی، گلپایگانی و اراکی. بعد از مرحوم اراکی تا مهر ۱۳۷۶ به اعلمیت مرحوم آیت الله بهجت قائل بوده است.

مرحوم آذری قمی شب ۱۳ خرداد ۶۸ با جمعی دیگر از اعضای جامعه مدرسین به منزل مرحوم آیت الله گلپایگانی می رود، ایشان را از رختخواب بیرون می آورد و پیشنهاد می کند که با توجه به درگذشت آیت الله خمینی رهبری را بپذیرد. آیت الله گلپایگانی قبول نمی کند.

حجت الاسلام سید باقر گلپایگانی نظر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم را درباره ی درخواست پذیرش رهبری از پدرش را اینگونه روایت می کند:

«ساعت ۱۲ شب [۱۳ خرداد ۱۳۶۸] عده ای از آقایان جامعه مدرسین و اعضای مجلس خبرگان برای دیدن آقا [آیت الله گلپایگانی] آمدند. آقایان احمدی میانجی، آذری قمی، [سید مهدی] روحانی، طاهر شمس و بعضی دیگر که همه مرحوم شده اند در بین آنها بودند. آقا که در رختخواب بودند بدون آنکه قبا بپوشند با عبا و عمامه آمدند. این آقایان گفتند که وظیفه شماست که رهبری را قبول کنید چون کسی جز شما نداریم. آقا فرمودند که من قبلاً هم به آقای خمینی گفته بودم که من نه داعیه رهبری دارم و نه اهل رهبری هستم.

آقایان باز هم اصرار کردند. آقا جواب داد من نه این کار را قبول می کنم و نه با کسی که رهبر شد بنای مخالفت دارم. باز هم اصرار کردند. آقا فرمود من همین که به مسایل شرعی مردم برسم کافی است. اصرار آقایان باز هم ادامه پیدا کرد و در نهایت حضرت آقا فرمودند که فعلاً بروید تا فردا صبح ببینم چه می شود.

صبح ۱۴ خرداد مرحوم آقای آذری قمی از جلسه خبرگان به من زنگ زد و گفت که ما با عده زیادی از اعضای خبرگان صحبت کرده ایم و آنها قبول کرده اند که به حضرت آقا رأی بدهند و از من خواست نظر ایشان را جويا شوم. حضرت آقا باز هم فرمودند که من کاری به رهبری ندارم و آقایان هر کس را که صلاح می بینند انتخاب کنند و من هم بنای مخالفت ندارم»^۴

حجت الاسلام و المسلمین هاشمی رفسنجانی در کتاب خاطرات سال ۶۸ خود، فعالیت مجلس خبرگان رهبری را اینگونه گزارش می دهد:

^۴ مصاحبه سید مرتضی ابطحی با حجت الاسلام سید باقر گلپایگانی: برخی به آقا پیشنهاد رهبری دادند، ۱۸ خرداد ۱۳۸۹، سایت فارو

«با صحبت کوتاه آقای مشکینی، جلسه [بعد از ظهر ۱۴ خرداد ۱۳۶۸] شروع و من هم موضوع بحث را توضیح دادم. این جلسه تا ساعت هفت و نیم بعد از ظهر با یک تنفس ادامه یافت. بحث‌های زیادی شد. بعضی‌ها طرفدار رهبری شورایی و بعضی خواهان رهبری فردی بودند. بعضی آیت‌الله خامنه‌ای و بعضی‌ها آیت‌الله [سید محمد رضا] گلپایگانی را مطرح کردند و برای شورا هم اسم‌هایی برده شد. قبلاً در مشورت‌های سران قوا و جمعی دیگر از بزرگان به این نتیجه رسیده بودیم که شورایی مرکب از آیات خامنه‌ای، موسوی اردبیلی و مشکینی رهبری را به عهده بگیرند ولی در مذاکرات، رهبری فردی رای بیشتری آورد.

آیت‌الله خامنه‌ای با رهبری فردی مخالفت کردند. من هم مخالف بودم. نوبت نرسید. ابتدا به پیشنهاد اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم که عضو مجلس خبرگان بودند، آیت‌الله گلپایگانی مطرح شد. حدود ۱۴ نفر به ایشان رای دادند. سپس پیشنهاد رهبری آیت‌الله خامنه‌ای مطرح شد. خود ایشان پشت تریبون رفتند و گفتند من با رهبری شورایی مطابق قانون اساسی موافقم و با رهبری فردی مخالفم، پس چگونه نامزد بشوم؟ من که جلسه را اداره می‌کردم، گفتم اکنون با رای خبرگان، رهبری فردی قانون شده و چاره‌ای نیست. سرانجام آقای خامنه‌ای با ۶۰ رای از ۷۴ عضو حاضر رای آوردند و مساله به این مهمی به این خوبی حل شد. من هم در چند مورد صحبت کوتاهی کردم و نظرات امام را درباره صلاحیت رهبری آقای خامنه‌ای نقل کردم. از قول حاج احمد آقا [خمينی] و آیت‌الله موسوی اردبیلی هم که در جلسه خدمت امام بودند، همین مضامین تایید شد. خبر آماده باش نیروهای عراقی در مقابل منطقه عین خوش که در اثنای جلسه توسط دکتر حسن روحانی رسید و من به جلسه اطلاع دادم، تاثیر زیادی در آمادگی اعضای خبرگان برای ختم کار داشت؛ موفقیت بزرگی است.»^۵

هاشمی رفسنجانی مبدأ لقب آیت‌الله را هم برای حجت الاسلام والمسلمین خامنه‌ای اینگونه گزارش می‌کند:

«متن بیانیه مجلس خبرگان در خصوص تصویب رهبری آیت‌الله خامنه‌ای را نوشتم و برای انتشار دادم. با بعضی از اعضای هیأت رئیسه درباره به کار بردن آیت‌الله به جای حجت الاسلام والمسلمین مشورت کردم؛ موافقت داشتند.»^۶

سردسته گروه ۱۴ نفره پیشنهاد دهنده آیت‌الله گلپایگانی برای امر رهبری، آیت‌الله احمد آذری قمی بود. وی در آن اجلاس از رهبری آیت‌الله گلپایگانی و معاونت اجرایی آقای خامنه‌ای دفاع می‌کند، که رأی نمی‌آورد. خود وی در این باره می‌نویسد:

^۵ کارنامه و خاطرات هاشمی رفسنجانی، سال ۱۳۶۸: بازسازی و سازندگی، ۱۴ خرداد ۱۳۶۸، ص ۱۵۲-۱۴۸

^۶ پیشین، خاطرات ۱۵ خرداد ۱۳۶۸

«در اول خبرگان که انتخاب حضرت آیت الله خامنه ای صورت گرفت عینا همین نظر را ابراز نمودم و گفتم من پیشنهاد می کنم که حضرت آیت الله گلپایگانی که اعلم در فقه است به عنوان ولی فقیه و حضرت آیت الله خامنه ای را به عنوان قائم مقام در امور اجرائی معرفی کنم که مورد استقبال قرار نگرفت و عین همین نظر را در سال گذشته در کتاب «شئون و شرائط رهبری و مرجعیت» ذکر و قریب آنرا از شهید [آیت الله سید محمد باقر] صدر نقل کرده ام»^۷

او حوالی سالهای ۷۰-۱۳۶۹ درباره نقش خود در رهبری آیت الله خامنه ای اینگونه اظهار نظر کرده است:

«در تعیین مقام معظم رهبری نقش مؤثری را ایفا کردم و تردید ایشان با اظهار من که چون به ولایت مطلقه معتقدم رفع شد»^۸

هاشمی رفسنجانی از وجود مخالفین رهبری آیت الله خامنه ای از همان شب ۱۴ خرداد خبر می دهد:

«متنی برای تایید و امضاء این انتخاب [در مجلس] تهیه شد. بعضی از رادیکالها مخالفت دارند.» و دو روز بعد: «آقای [عبدالمجید] معادینخواه آمد و از وجود عناصری گفت که با رهبری آقای خامنه ای مخالفت می کنند و بنا دارند که آن را موقت معرفی کنند، تا در این فرصت با تماس با اعضای مجلس خبرگان، شاید بتوانند بعد کاری بکنند»^۹

و فردای آن روز «علی آقا محمدی آمد... گفت هنوز تعدادی از تندروها با رهبری آیت الله خامنه ای مخالفند.»^{۱۰ ۱۱}

آیت الله منتظری در خاطرات خودنوشت خود اینگونه به یاد می آورد که:

«یک بار جمعی از جامعه مدرسین و از جمله آقایان حاج سید مهدی روحانی، [احمد] آذری قمی و [محمد علی] شرعی پس از حمله اول به دفتر و حسینیه [۱۲ دی ۱۳۶۸] نزد من آمده بودند که شما باید رهبری آقای خامنه ای را علنا اعلام کنید. من گفتم: "من گمان کردم آمده اید از من دلجویی کنید که هستی مرا غارت کرده اند و به من اهانت شده است. شما به سکوت من قانع باشید، جامعه مدرسین یک تشکیلات مقدس حوزوی بود ولی متأسفانه الآن به یک ارگان نیمه دولتی تبدیل شده است"»^{۱۲}

^۷ نامه سرگشاده به اعضای بنیاد رسالت ۹ آبان ۱۳۷۴

^۸ زندگی نامه خودنوشت، خبرگان ملت، ج ۱ ص ۱۳۴

^۹ پیشین، خاطرات ۱۶ خرداد ۱۳۶۸

^{۱۰} پیشین، خاطرات ۱۷ خرداد ۱۳۶۸

^{۱۱} مقصود از عناصر تندرو مخالف رهبری آیت الله خامنه ای، آنهایی بودند که به بیت آیت الله منتظری و جریان مجمع روحانیون مبارز در آن ایام نزدیک بودند و در زمان ریاست جمهوری آیت الله خامنه ای نیز از مخالفین و منتقدین ایشان محسوب می شدند.

^{۱۲} خاطرات آیت الله منتظری، ج ۱ ص ۷۷۲

خود آیت الله آذری قمی در این زمینه اعتراف می کند: «در تبریک علّمین آقای گلپایگانی و آقای اراکی و آقای منتظری به ایشان [خامنه ای] کلا یا بعضا بی نقش نبودیم.»^{۱۳}

چه کسانی در لیست های شورای رهبری بودند؟

پیش از تغییر اصل و صد هفتم قانون اساسی که به انتخاب رهبری می پرداخت، این موضوع مطرح بود که اگر در میان افراد واجد شرایط رهبری به شرح مذکور در قانون اساسی، فردی واجد همه شرایط بود، همان شخص برای رهبری انتخاب شود، و گرنه از میان واجدین نسبی شرایط عمومی، سه نفر که نسبت به دیگران امتیازات بیشتر دارند به عنوان شورای رهبری انتخاب شوند.

این نکته موجب شد تا در ابتدای بررسی جانشین رهبری و پیش از تعیین گزینه شورای رهبری یا رهبری فردی، برخی به بیان لیست هایی برای شورای رهبری به شرح زیر پردازند.

ترکیب اول: آیت الله خامنه ای، آیت الله مشکینی و آیت الله موسوی اردبیلی

ترکیب دوم: آیت الله خامنه ای، آیت الله مشکینی، آیت الله موسوی اردبیلی، هاشمی رفسنجانی و سید احمد خمینی

ترکیب سوم: آیت الله خامنه ای، آیت الله مشکینی، آیت الله موسوی اردبیلی، آیت الله فاضل لنکرانی، آیت الله عبدالله جوادی آملی

البته آیت الله هاشمی نیز در خاطرات خود در این رابطه نوشته است:

«قبلا در مشورت های سران قوا و جمعی دیگر از بزرگان به این نتیجه رسیده بودیم که شورایی مرکب از آیات خامنه ای، موسوی اردبیلی و مشکینی رهبری را به عهده بگیرند.»

سرانجام به دلیل مخالفت اکثریت خبرگان با شورای رهبری، هیچ یک از لیست های ذکر شده، رنگ واقعیت نگرفتند.

موافقان و مخالفان شورایی شدن رهبری

در جلسه عصر و به منظور انتخاب جانشین رهبری، اولویت با تعیین یکی از دو مدل رهبری بود؛ شورای رهبری یا رهبری فرد.

در این میان بنابر گفته حائری شیرازی، آیت الله خامنه ای جز دسته موافقان شورای رهبری بودند^{۱۴}، نکته ای که هاشمی رفسنجانی نیز بر آن مهر تأیید زده است:

^{۱۳} نامه آذر ۷۶ به هاشمی رفسنجانی

^{۱۴} نشست مرور و بازخوانی ناگفته های وقایع جلسه مجلس خبرگان رهبری در ۱۴ خرداد ۶۸ در فرهنگسرای انقلاب ۱۳ خرداد ۹۵

«اولین بحث ما این بود که شورا باشد یا فرد. ما که جزو هیات‌رئیس خبرگان بودیم و باید برنامه‌ها را تنظیم می‌کردیم، نظر ما این بود که شورایی باشد و شورای سه نفره را در نظر گرفتیم که آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله مشکینی و آیت‌الله موسوی اردبیلی بودند. نظر جامعه مدرسین روی آیت‌الله گلپایگانی بود و فرد را پیشنهاد دادند. یک بحث جدی داشتیم و وقت زیادی از جلسه را گرفته بود که فرد یا شورا باشد. این در اختیار ما بود و باید انتخاب می‌کردیم. فرد ۴۵ رای و شورا ۳۵ رای آورد. نظر آیت‌الله خامنه‌ای روی شورا بود و سخنرانی خوبی هم کردند و توضیح دادند که شورا لازم است، اما وقتی که رای گرفتیم، این گونه شد. اگر روزی قرار باشد که دوباره رهبری را انتخاب کنیم، بحث می‌کنیم که فرد یا شورا باشد. در اینجا مشکلی نداریم. من طرفدار شورا بودم و همان نظرم مانده است. قاعدتا نظر آیت‌الله خامنه‌ای هم همان است، ولی چون خبرگان رای داده، فعلا این است. بعدا باید شرایط را ببینیم.»^{۱۵}

همچنین هاشمی در کتاب خود نیز به موافقت آیت‌الله خامنه‌ای با شورای رهبری اشاره کرده و نوشته است که «خود ایشان پشت تریبون رفتند و گفتند من با رهبری شورایی مطابق قانون اساسی موافقم و با رهبری فردی مخالفم. پس چگونه نامزد بشوم؟»

در میان موافقان رهبری فرد و در واقع مخالفان شورای رهبری نیز در جلسه به نطق پرداختند. آیت‌الله حائری شیرازی که در آن زمان ردای موافقت با رهبری فردی را بر تن کرده بود، در رابطه با بحث و جدل میان موافقان و مخالفان رهبری فردی می‌گوید: «آن روز من صحبت کردم به عنوان مخالف، بعد از من یک موافق رفت، موافق به جای اینکه دلیل بیاورد شروع کرد به قسم دادن خبرگان، ایشان دلیلی نداشت برای حرف‌هایی که می‌زد.»

پس از رأی‌گیری و با موافقت اکثریت اعضای حاضر در مجلس خبرگان، شورای رهبری رد و رهبری فرد در دستور کار جلسه خبرگان برای انتخاب جانشین رهبری قرار گرفت.

مخالفت آیت‌الله خامنه‌ای با رهبر شدنش

آیت‌الله خامنه‌ای که خود مخالف رهبری فردی و موافق رهبری شورایی بود، پس از آنکه به عنوان گزینه رهبری مطرح شد، به عنوان تنها مخالف رهبریش سخن گفت، نکته‌ای که با مخالفت اعضای خبرگان مواجه شد.

آیت‌الله حائری شیرازی عضو سابق مجلس خبرگان نیز در نشستی به بیان ناگفته‌هایی از جلسه انتخاب رهبری پرداخت و در رابطه با مخالفت آیت‌الله خامنه‌ای با مطرح شدنش به عنوان گزینه رهبری اینگونه روایت کرد:

«تا گفتند رهبری فردی یکی از این خبرگان اسم رئیس‌جمهور را آورد و گفت ایشان، چون این‌هایی هم که شورایی می‌گفتند اسم ایشان را هم در قضیه می‌آوردند، یکدفعه ایشان بدون وقت گرفتن و بی‌قانون آمدند پشت تریبون، رنگ ایشان سرخ شده بود، گفت می‌دانید می‌خواهید چه بر سر من بیاورید؟ التهاب شدید داشت، یکدفعه شورای نگهبانی‌ها گفتند آقا جان چرا جلوی اجرای قانون را می‌گیرید؟ ایشان چیزی نگفت. رفت سر جایش نشست.»

^{۱۵} گفت و گو با روزنامه شرق ۲۰ اسفند ۹۳

آیت الله آذری قمی؛ گزینه پیشنهادی آیت الله خامنه‌ای برای رهبری

همچنین آیت الله امامی کاشانی نیز در برنامه تلویزیونی شناسنامه که در سال ۱۳۹۳ از شبکه سوم تلویزیون ایران پخش شد به بیان روایتی از این مخالفت پرداخت و از اصرار آیت الله خامنه‌ای بر قبول نکردن مسئولیت رهبری و همچنین مطرح کردن مرحوم آذری قمی از بنیان‌گذاران جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به عنوان گزینه رهبری روایت می‌کند:

«شخص مقام معظم رهبری می‌گفتند نه و روی این صحبت خود اصرار داشتند و از آن طرف روی انتخاب مرحوم آذری قمی اصرار داشتند. حتی بین آقا و آقای آذری صحبت‌هایی هم رد و بدل شد اما در نهایت مجلس به مقام معظم رهبری رای داد.»

وقتی خاطره گویی هاشمی فضای خبرگان را آرام کرد

در تکاپوی نمایندگان خبرگان رهبری برای انتخاب جانشین رهبری و مخالفت آیت الله خامنه‌ای با معرفی به عنوان رهبر آینده کشور، آیت الله هاشمی به ذکر خاطره‌ای از ایشان پرداختند، خاطره‌ای که موجب آرام شدن فضای ملتهب مجلس و آیت الله خامنه‌ای شد.

بنابر گفته حائری شیرازی در زمان بررسی آیت الله خامنه‌ای به عنوان گزینه رهبری، آقایان شبستری و معصومی نامه‌ای به هاشمی رفسنجانی دادند تا او به بیان صحبت‌های امام خمینی در مورد آیت الله خامنه‌ای بپردازد.

حائری شیرازی در این رابطه می‌گوید:

«برغم این نامه، آقای رفسنجانی از انجام این کار (به دلیل مخالفت آیت الله خامنه‌ای) اجتناب کرد. پس از آن آیت الله شبستری در خصوص این اقدام آقای هاشمی رفسنجانی اعتراض کرد که آقای رفسنجانی نیز در پاسخ گفت به دلیل مخالفت آقای خامنه‌ای موضوع را اعلام نکردم.»

در نهایت آقای هاشمی رفسنجانی اعلام کردند که امام خمینی (ره) در یک جلسه عمومی و یکبار نیز در یک جلسه خصوصی به بنده فرمودند که آقای خامنه‌ای بهترین فرد برای رهبری انقلاب اسلامی است.

رأی گیری خبرگان و انتخاب آیت الله خامنه‌ای به عنوان دومین رهبر نظام جمهوری اسلامی

سرانجام پس از بحث بسیار و جلسه‌ای طولانی اعضای خبرگان در ۱۴ خرداد سال ۶۸، نوبت به رأی گیری بر سر رهبری آیت الله خامنه‌ای رسید.

در این میان عده‌ای نیز لزوم مرجع بودن جانشین رهبری را مطرح کردند، شبهه‌ای که بنابر گفته آیت الله سید جعفر کریمی عضو سابق مجلس خبرگان، پس از آنکه هاشمی رفسنجانی خاطره‌ای را از امام مبنی بر اینکه «آقایان به دنبال مجتهد صاحب رساله و سرشناس که

عده ای مقلد داشته باشد نباشند بلکه مجتهد بودن و مدیر و مدبر و شجاع و توانمند بودن برای اداره کشور مانند آقای خامنه ای کافی است.» نقل کردند، تا حدودی این شبهه رفع و رجوع شد.

آیت الله محمد مومن در رابطه با رأی گیری برای رهبری آیت الله خامنه ای اینگونه روایت می کند:

«رای گیری به صورت قیام و قعود نبود، بلکه رای مخفی بود و باید در گلدان ها ریخته می شد. رای را که شمردند به نظم چهار پنجم حاضران و شاید بیشتر از آن به ایشان رای دادند، تعداد بسیار معدود رای منفی بود که آن هم احتمالاً به دلیل سوالات مطرح شده درباره مرجعیت رهبری بود. و گرنه بیشتر از دوسوم کل اعضای مجلس خبرگان رای به رهبریت آقای خامنه ای دادند. به این ترتیب طبق قانون، رهبریت ایشان محرز شد. این انتخاب در کوتاه ترین زمان و در شرایطی که هنوز ۲۴ ساعت از فوت حضرت امام نگذشته بود، صورت گرفت و در روز ۱۴ خرداد ۱۳۶۸ این کار انجام شد.»

البته هاشمی رفسنجانی که ریاست این جلسه مهم را به عهده داشت نیز در کتاب خاطرات خود، به رأی ۶۰ نفر موافق از ۷۴ عضو حاضر در آن جلسه خبرگان سخن به میان آورده است.

سرانجام نمایندگان مجلس خبرگان پس از یک روز پر التهاب آیت الله خامنه ای را به عنوان جانشین امام خمینی انتخاب و معرفی کردند. انتخابی که از همان ابتدا با تائید ظاهری برخی از افراد همانند آیت الله حسینعلی منتظری همراه شد اما پس از چند ماه، مخالفت ها و سنگ اندازی ها آغاز شد و عده ای تلاش نمودند مقام علمی و رهبری آیت الله خامنه ای را با شبهه مواجه کنند.

شبهه اجتهاد آیت الله خامنه ای

در تمامی سال های بعد از به رهبری رسیدن آیت الله خامنه ای، و به خصوص پس از اعلام مرجعیت ایشان، عده ای از مخالفین و منتقدین ایشان تلاش داشته و دارند تا فقاقت و اجتهاد ایشان را زیر سوال ببرند و این مساله را مطرح کنند که در اصل آیت الله خامنه ای دارای مقام اجتهاد و فقاقت نبوده است و مقام علمی ایشان زیر سوال است! به عنوان نمونه، دکتر محسن کدیور در سال های اخیر که در خارج از کشور به سر می برد، با انتشار کتاب "ابتدال مرجعیت شیعه" تلاش کرده است تا اجتهاد آیت الله خامنه ای را مخدوش و مورد شبهه جلوه دهد و اساساً انتخاب ایشان به عنوان رهبر را امری خلاف شرع و خلاف قانون اساسی وقت معرفی کند!

در این مجال تلاش می شود به صورت کوتاه و فشرده مقام علمی و فقهی آیت الله خامنه ای بررسی شود و این موضوع مورد بازخوانی قرار بگیرد که آیا آیت الله خامنه ای فقیه و مجتهد جامع الشرایط بوده اند یا خیر و مقام افتاء ایشان چگونه است؟

اولاً، آنچه در اطلاق لفظ «آیت الله» بر شخص معیار و ملاک می باشد، داشتن ملکه ی «اجتهاد» است که به معنای توانایی استنباط احکام الهی از منابع معتبر دینی می باشد. این مهم پس از گذراندن سال ها درس خارج، همراه با تحقیقات و کاوش های ژرف فقهی، اصولی، رجالی و... امکان پذیر می شود. توان استنباط معمولاً از طریق اساتید درس خارج، قابل بررسی و کشف است.

ولی این که از چه زمانی بعد از دست یابی به اجتهاد بر آن شخص آیت الله اطلاق می شود، باید گفت که این یک امر عرفی است و ضابطه ی خاص به غیر از داشتن اجتهاد مسلّم ندارد. چه بسا بسیاری از شخصیت های مبرز علمی هم اکنون وجود دارند که مجتهد مسلّم می باشند؛ ولی حجت الاسلام خوانده می شوند. با اینکه اطلاق آیت الله بر آنان کاملاً صحیح است ولی در عرف رایج حوزه، معمولاً فرد بعد از دست یابی به اجتهاد و گذشت چند سالی در کار تدریس خارج، تحقیق و... بر او آیت الله اطلاق می شود.

ثانیاً، بر اساس ادله ی عقلی و نقلی (آیات و روایات)، یکی از شرایط ولی فقیه، داشتن ملکه و قدرت اجتهاد است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم در اصول پنجم و یکصد و نهم، یکی از شرایط رهبری را صلاحیت علمی لازم برای افتا در ابواب مختلف فقه دانسته اند.

ثالثاً، اجتهاد آیت الله خامنه ای، ربطی به زمان انتخاب ایشان به رهبری ندارد؛ بلکه بنابر دلایلی که در ادامه می آید، ایشان از سال های قبل، این ملکه و توانایی را داشته اند:

۱. همه ی رساله های عملیه، نوشته اند که اگر دو نفر عادل به اجتهاد کسی شهادت دهند، اجتهاد او قابل قبول است. مجلس خبرگان، که مرکب از ده ها مجتهد مسلّم و چندین مرجع تقلید می باشد، ایشان را به عنوان مجتهد و رهبر انتخاب کردند.

۲. ایشان پیش از انقلاب به درجه ی اجتهاد رسیده و اجتهاد ایشان توسط بسیاری از مراجع و بزرگان، از جمله حضرت امام، از قبل تصدیق شده بود. حضرت آیت الله فاضل لنکرانی در جلسه ی جامعه ی مدرسین اعلام کردند که من از بیست سال پیش، ایشان را مجتهدی تمام عیار یافته ام.

۳. درس خارج مقام معظم رهبری که در آن بسیاری از فضلا شرکت می کردند و همگی به وزانت علمی آن شهادت می دهند، دلیلی بر بنیه ی علمی نیرومند و ملکه ی اجتهاد ایشان است و این توان علمی، مسلماً زمینه ای پیش از رهبری ایشان دارد.

توضیح بیشتر اینکه:

در مورد اجتهاد و مرجعیت مقام رهبری گفتنی است؛ اصولاً مرجعیت دارای معیارها و شرایط علمی و عملی متعدد می‌باشد که تعداد اندکی از میان مجتهدین و علمای هر عصر به این درجه نائل آمده و در میان این مراجع هم گاهی فقط یک نفر به عنوان مرجع کل و ریاست عامه شیعیان مطرح می‌شود. مهم‌ترین شرایط و معیارهای مرجعیت عبارتند از: فقاہت، عدالت، تقوی، اعلیت، شجاعت، آگاهی به اوضاع زمان و مکان، کثرت تحقیقات و تألیفات، داشتن توان مدیریت امور مسلمین، افتا دادن و تقلید برخی مقلدان و... .

نکته قابل ملاحظه در این شرایط این است که مسأله مرجعیت امری نیست که یک شبه و یا با معرفی و تبلیغات بتوان آن را به کسی اعطاء کرد، زیرا علاوه بر داشتن شرایط علمی و عملی مطرح شده، احراز این شرایط و به تعبیری شهرت یافتن در کسب این شرایط در میان بزرگان و مجتهدان حوزه و عموم مردم، نیز مورد توجه است. این مطلب نیز امری نیست که به صورت آنی ایجاد شود، بلکه تدریجی بوده و پس از سال‌ها مجاهدت علمی و عملی بوجود می‌آید. و سپس مورد پذیرش سایر مجتهدان و مجامع علمی حوزه‌های علمیه قرار می‌گیرد و آیت الله خامنه‌ای نیز یک فقیه و مجتهد عادل می‌باشد و این گونه نیست که فقاہت و اجتهاد را در زمان تصدی مقام رهبری یا ریاست جمهوری بدست نیاورده بلکه قبل از انقلاب آن را کسب نموده‌اند. برای روشن شدن این به موضوع مختصری تحصیلات سابقه و تدریس معظم له اشاره می‌شود .

معظم له در سن ۱۴ سالگی دروس حوزوی را در مشهد شروع و ادبیات عرب را در مدرسه سلمان خان به پایان رسانید. و شرایع را هم نزد پدر بزرگوارشان و دروس سطح را در مدرسه نواب به پایان رساند. در سن ۱۶ سالگی در درس خارج مرحوم میلانی شرکت میکرد چون از استعداد خاصی برخوردار بود لذا کم نظیر بود که جوانی در سن ۱۶ سالگی بتواند در درس خارج شرکت نماید. معظم له تا سال ۱۳۳۷ در مشهد علاوه بر تحصیل به تدریس صرف و نحو، فقه و اصول مشغول بودند.

در سال ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۳ در قم اشتغال به تحصیل و تدریس داشتند و در محضر اساتیدی چون آیات عظام میرزا احمد مدرس یزدی، آیت الله حاج شیخ هاشم قزوینی و میرزا جواد اقا تهرانی و مرحوم امام و آیت الله بروجردی و آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری بهره می جستند. مدتی هم در نجف اقامت داشتند و در دروس خارج آیت الله حکیم، خویی و شاهرودی و میرزا باقر زنجانی، میرزا حسن یزدی و ... شرکت می کردند.

حضرت آیت الله فاضل لنکرانی می فرماید ایشان (مقام معظم رهبری) اهل نظر و اجتهاد هستند. ۲۰ سال پیش (قبل از انقلاب) وقتی در مشهد، در مسجد گوهرشاد با ایشان برخورد کردم. آن موقع ایشان از مدرسین محترم مشهد بودند. پرسیدم چه چیزی تدریس می کنید می فرمودند مکاسب از مهم ترین و مشکل ترین کتب علمی ماست. به نظر من ایشان (مقام رهبری) یک فقیه و یک مجتهد است به نظر من کسی که در سالهای طولانی در جهان سیاست، اساتیدی چون امام امت داشته و خودش دارای استعداد سرشار است چنین فردی دارای مقامات بلند از درک سیاسی است.^{۱۶}

آیت الله امینی می فرماید: حضرت آیت الله خامنه ای _ دامت برکاته _ در فقاہت و اجتهاد به مرتبه ای است که برای تصدی مقام ولایت و رهبری، صلاحیت کامل دارد^{۱۷}.

آیت الله مؤمن می فرماید: هنگام رای گیری در مجلس خبرگان برای رهبری حضرت آیت الله خامنه ای اجتهاد معظم له با قیام هیأت شرعیه نزد این جانب ثابت بود؛ ولی بعدا به واسطه حضور در جلسات مباحثه فقهی، شخصا به اجتهاد ایشان پی بردم و اکنون شهادت می دهم که معظم له، مجتهدی عادل و جامع الشرایط می باشد^{۱۸}.

آیت الله یوسف صانعی می فرماید: آیت الله خامنه ای، نه تنها مجتهد مسلم می باشد، بلکه فقیه جامع الشرایط واجب الاتباع می باشد.^{۱۹} آیت الله جوادی آملی می فرماید: اجتهاد و عدالت حضرت آیت الله جناب آقای سید علی خامنه ای _ دامت برکاته _ مورد تایید

^{۱۶} روزنامه رسالت، ۶۸/۳/۲۲

^{۱۷} درر الفوائد فی اجوبه القائد، ص ۱۹

^{۱۸} پیشین، ص ۲۱

^{۱۹} پیشین، ص ۱۷

می باشد. لازم است امت اسلامی _ ایدیه‌م الله _ در تقویت رهبری معظم له در بذل نفس نفیس، در هیچ گونه نثار و ایثار دریغ

نفرماید.^{۲۰}

بنابر این مقام معظم رهبری پس از سال‌ها تدریس و تحقیق در متون دینی به مقام مرجعیت نیز دست یافتند. در این باره جامعه مدرسین حوزه علمیه قم که مرکب از ده‌ها مجتهد مطلق و چندین مرجع تقلید می‌باشد حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، را به مرجعیت پذیرفتند. اعلامیه جامعه مدرسین به این معناست که حداقل شانزده نفر از مجتهدان و خبرگان ایشان را مرجع تقلید جامع‌الشرایط می‌دانند. هم چنین در هنگام تصدی ولایت امر پس از رحلت امام خمینی (ره)، آیت‌الله العظمی اراکی (ره) و آیت‌الله العظمی گلپایگانی (ره) اجتهاد ایشان را تایید کردند. حجت الاسلام و المسلمین حاج سید احمد آقا خمینی (ره) نیز می‌گویند: «حضرت امام بارها از جناب عالی به عنوان مجتهدی مسلم و بهترین فرد برای رهبری نام بردند».^{۲۱}

بنابراین می‌توان گفت، آیت‌الله خامنه‌ای یک فقیه و مجتهد عادل و جامع‌الشرایط می‌باشند که این مراتب علمی را در طی دورانی طولانی چه قبل و چه بعد از انقلاب به دست آورده‌اند و این امر مورد تصدیق بسیاری از اهل علم و اجتهاد بوده و هست. سابقه تحصیلاتی ایشان در حوزه‌های علمیه مشهد، قم و نجف و شرکت در درس اساتید بزرگوار در این سه حوزه نشان‌گر این مطلب است.

بنابر مطالب فوق، روشن می‌شود که ایشان در زمان رهبری، صد در صد دارای اجتهاد مسلم - که شرط لازم برای اطلاق لفظ آیت‌الله است - بوده‌اند و همان طور که در عرف بر کسی که سال‌ها دارای اجتهاد باشد، کم کم بر او آیت‌الله اطلاق می‌شود، بر معظم له نیز بعد از این حادثه آیت‌الله اطلاق شده است.

بر این اساس این سخن که مقام معظم رهبری بعد از ارتحال مرحوم امام مجتهد و آیت‌الله شدند و مسیر معمول حوزه را طی نکرده‌اند سخن نادرست و ناروایی است زیرا تحصیلات حوزوی مقام معظم رهبری و فعالیت‌های علمی ایشان به سالهای جوانی ایشان باز میگردد و سالها پیش از اینکه به فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی بپردازند به تحصیل و فراگیری علوم حوزوی اشتغال داشته و به درجه

^{۲۰} پیشین، ص ۱۹

^{۲۱} روزنامه رسالت ۶۸/۳/۱۶

اجتهاد که شرط اصلی برای مرجعیت و اطلاق عنوان آیت الله است نائل آمده اند و بسیاری از بزرگان حوزه از جمله خود حضرت امام به وجود این ویژگی در آیت الله خامنه ای تصریح نموده اند و این گونه نبوده که به یک باره پس از ارتحال امام ره عنوان اجتهاد را به دست آورده باشند .

نکته ای دیگر که لازم است به آن اشاره شود این که، مقام معظم رهبری هنگام انتخاب شدن به رهبری به عنوان مرجع مطرح نشدند، بلکه تنها به عنوان مجتهد جامع الشرایط و آگاه به مسائل و زمان، مطرح بودند.

اما پس از گذشت چندین سال و حائز شدن شرایط مرجعیت، ایشان توسط جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، که مرکب از برجسته ترین علمای مجتهد حوزه می باشد، به عنوان مرجع تقلید معرفی شدند. بنابراین می توان مشاهده کرد که در مقام علمی و فقهی ایشان هیچ گونه شبهه و اشکالی جاری نیست، مقام سیاسی و عملکرد سیاسی اجتماعی ایشان نیز که طی سالیان اخیر برای هر آگاه منصفی روشن بوده نیاز به بیان ندارد. شاید بسیاری از شبهاتی که همواره و خصوصاً در زمان کنونی در این زمینه ترویج می شود به این جهت باشد که ایشان در مقام خود درایت و کارآمدی فوق العاده ای داشته مانع به ثمر رسیدن اهداف شوم دشمنان بوده اند، از این رو سیل اتهامات و ایرادات را نسبت به ایشان وارد می کنند.

از جمله ، شبهه دیگری نیز مطرح می شود در این زمینه که انتخاب آیت الله خامنه ای در آن زمان با توجه به این که مرجعیت از شرایط رهبری در قانون اساسی بوده ، قانونی نیست ؟
پاسخ این شبهه از دو منظر قابل بررسی است:

یک. از نظر فقهی

در فقه شیعه آنچه شرط ولایت است، همان اجتهاد و فقاهاست؛ نه مرجعیت. فقاها صلاحیت علمی و شرط مرجعیت است؛ اما خود مرجعیت یک شأن اجتماعی است. توضیح اینکه:
عمده ترین شرایط ولایت فقیه عبارت است از:

۱- **فقاہت یا اجتہاد مطلق؛** یعنی، از نظر علمی در حدی باشد که در تمام مسائل بتواند احکام الهی را با مراجعه به ادله تفصیلی

(کتاب، سنت، عقل و اجماع) کشف و استنباط کند.

۲- **عدالت و تقوا؛**

۳- **قدرت مدیریت، تدبیر، شجاعت و توان اداره کلان جامعه؛**

با توجه به شرایط بالا، روشن می‌شود که مرجعیت، شرط لازم رهبری و ولایت فقیه نیست. اصطلاح «مرجعیت» - که به مراتب کمال علمی، اخلاقی و اجتماعی فقیه اطلاق می‌شود ظاهراً برای کسانی است که عنوان بزرگ‌ترین و مشهورترین مجتهد یک کشور (و حتی یک شهر) را دارا باشد. به عبارت دیگر دانشمندترین همه علمای هر ناحیه، عنوان مرجع تقلید را دارد و آن، عبارت از کسی است که محل مراجعه مقلدان و دارای رساله مدون عملی، برای استفاده مریدان خویش است.^{۲۲}

در مورد جایگاه مرجعیت و رابطه آن با ولایت فقیه، نکات ذیل دارای اهمیت است:

یکم. **فقاہت** - به معنای توانایی استنباط احکام اولیه شرعی از منابع و متون دینی امر مشترکی است که هم در مرجعیت و هم در قضاوت و هم در زعامت و سرپرستی جامعه مورد نیاز است؛ بدین معنا که تصدی این سه شأن مهم، تنها از سوی فقها مورد قبول است و دیگران با وجود فقیهان صالح، حق تصدی این شئون را ندارند.

نکته مهم این است که فقاہت در همه این شئون متفاوت، به یک معنا است و این گونه نیست که برای مرجعیت، به گونه‌ای فقاہت نیاز باشد و در امر رهبری به گونه‌ای دیگر از فقاہت. در واقع فقیهی هست که اجازه پذیرش همه شئون ذکر شده را دارد. در این صورت اگر از فقیهی، طلب فتوا کنیم، مرجع تقلید خواهیم داشت و اگر امر قضاوت را به او بسپاریم، قاضی می‌شود و اگر از او زعامت و سرپرستی جامعه را بخواهیم، ولی فقیه است. بنابراین، اطاعت از ولی فقیه، با همان ادله‌ای به اثبات می‌رسد که رجوع به مراجع تقلید ثابت می‌شود.

^{۲۲} حائری، عبدالهادی، تشیع و مشروطیت در ایران، صص ۸۱ - ۸۵

دوم. فقاہت و عدالت، شرط مشترک و مقدماتی تصدی مرجعیت، قضاوت و زعامت است؛ یعنی، شرط لازم است، اما کافی نیست. به عبارت دیگر متصدی هر کدام از مسؤولیت‌های یاد شده، به ویژگی‌های دیگری -متناسب با خصوصیات آن مسؤولیت نیاز دارد. در این میان، ولایت و سرپرستی جامعه، مسؤولیت پیچیده‌تر و سنگین‌تری است؛ از این رو دارای ویژگی‌های مهم‌تر و بیشتری است. به گونه‌ای که ممکن است در هر زمان تعداد انگشت‌شماری از فقیهان عادل را بتوان یافت که واجد آن شرایط باشند.

سوم. مرجعیت یک شأن اجتماعی است؛ نه یک شأن علمی و فقهی بالاتر از فقاہت. در واقع بسیاری از فقیهان راضی به پذیرش این شأن اجتماعی نیستند و ضمن آنکه صلاحیت مرجعیت را دارا هستند، ترجیح می‌دهند که این مسؤولیت را بر دوش نگیرند. برخی دیگر نیز آن را می‌پذیرند و مرجع تقلید می‌شوند. بنابراین نباید تصور کرد هر فقیهی که مرجع تقلید می‌شود، لزوماً از دیگر فقهایی که این شأن را نمی‌پذیرند، برتر و عالم‌تر است. البته مرجع تقلید باید فقیه اعلم باشد؛ اما اعلیت منحصر در مراجع تقلید نیست و فقه‌های هم‌تراز با مراجع، از نظر علمی و فقاہتی کم نیستند.

چهارم. بخش اصلی و اساسی تکالیف اجتماعی در جامعه دینی را ولی فقیه تعیین می‌کند؛ چرا که عمده مسائل اجتماعی، قضایی و حقوقی، اقتصادی و مالی، تعلیم و تربیت، سیاست داخلی و خارجی و... را باید در حوزه حکم حکومتی، تعیین تکلیف کرد که به ولی فقیه مربوط است.

بنابر مطالب یاد شده، روشن می‌شود که مراجع تقلید، هر چند به جهت بعضی از برجستگی‌های فقهی، اخلاقی و اجتماعی، نسبت به سایر فقها از اولویت برخوردار می‌باشند؛ اما «مرجعیت» آنان را نباید شرط لازم برای امامت مسلمین محسوب کرد؛ چنان که در متون و منابع اسلامی چنین موضوعی به هیچ وجه از شرایط رهبری ذکر نشده است.^{۲۳}

^{۲۳} صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، ص ۱۸۱

وانگهی، تجربه نشان داده است که برخی از مراجع تقلید - که از مراتب علمی و تقوایی برتری نسبت به دیگران برخوردارند نسبت به مسائل سیاسی التفاتی از خود نشان نمی‌دهند و یا آنکه از این جهات، از توانایی‌های مورد انتظار جامعه برخوردار نیستند؛ همچنان که در بین علمای متأخر به جز امام خمینی (ره)، سایر مراجع بزرگ تقلید چندان درگیر اشتغالات فکری - فقهی نسبت به مدیریت سیاسی نبوده‌اند. در حالی که بر اساس ادله نقلی و عقلی متعدد، افزون بر فقاہت و عدالت، داشتن شرط مدیریت و تدبیر سیاسی برای اداره امور جامعه ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.

از این رو در نامه امام (ره) به ریاست شورای بازنگری قانون اساسی چنین آمده است: «در مورد رهبری ما که نمی‌توانیم نظام اسلامی‌مان را بدون سرپرست رها کنیم. باید فردی را انتخاب کنیم که از حیثیت اسلامی‌مان در جهان سیاست و نیرنگ دفاع کند. من از ابتدا معتقد بودم و اصرار داشتم که شرط مرجعیت لازم نیست. مجتهد عادل مورد تأیید خبرگان محترم سراسر کشور کفایت می‌کند. اگر مردم به خبرگان رأی دادند تا مجتهد عادل را برای رهبری حکومتشان تعیین کند، وقتی آنها هم فردی را تعیین کردند تا رهبری را بر عهده بگیرد، قهراً او مورد قبول مردم است. در این صورت او ولی منتخب مردم می‌شود و حکمش نافذ است».^{۲۴}

دو. از منظر قانون اساسی

اصل یکصد و نهم قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸ یکی از شرایط رهبری را «صلاحیت علمی... لازم برای افتا و مرجعیت» مقرر داشته بود. منظور از صلاحیت علمی همان فقاہت است. بنابراین اولاً اصل مرجعیت بالفعل هیچ‌گاه در قانون اساسی به عنوان شرط رهبری ذکر نشده است؛ لیکن به دلیل برخی سوء برداشت‌ها و ابهاماتی که این قید به وجود می‌آورد، در بازنگری قانون اساسی، این قید حذف گردید بنابراین هر چند انتخاب مقام معظم رهبری بر اساس قانون اساسی قبل از بازنگری صورت پذیرفت؛ ولی عملی کاملاً قانونی و بر اساس معیارها و ضوابط مشخص شده در قانون اساسی بود؛ زیرا آنچه که اصول قانون اساسی (قبل از بازنگری) بر آن دلالت داشت، صلاحیت و شأن مرجعیت است، نه مرجعیت بالفعل.

در اصل پنجم نیز تعبیر «مرجعیت» نیامده بود: «در زمان غیبت ولی عصر (عج) در جمهوری اسلامی ایران، ولایت امر و امامت امت بر

^{۲۴} همان، ج ۱، ص ۵۸ (نامه مورخ ۱۳۶۸/۲/۹)

عهده فقیه عادل و باتقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که اکثریت مردم او را به رهبری شناخته و پذیرفته باشند». در این اصل

تعبیر «مرجع» نیامده؛ بلکه تعبیر «فقیه عادل» آمده است.

در اصل یکصد و نهم شرایط و صفات رهبر یا اعضای شورای رهبری را ذکر می‌کند که در آن هم تعبیر «صلاحیت علمی برای

مرجعیت» را دارد. تنها جایی که شبهه مرجعیت بالفعل را به وجود می‌آورد، اصل یکصد و هفتم قانون اساسی قبلی بود که در آن لفظ

«مرجع» آمده بود. در زمان امام راحل (ره) اعضای کمیسیون یکصد و هفت - که یکی از وظایفش تفسیر قانون اساسی در این گونه

موارد است این موضوع را مورد بررسی قرار دادند که «منظور از مرجع چیست» و میزان و ملاک کدام اصل است؟ در نتیجه اکثریت

اعضا معیار را «صلاحیت مرجعیت» دانستند، نه مرجع بالفعل.

از این رو بعد از ارتحال امام راحل، با توجه این مصوبه و نیز با استناد به نامه حضرت امام (ره) (مبنی بر عدم لزوم مرجعیت) انتخاب

رهبری صورت پذیرفت.^{۲۵}

البته برای بر طرف نمودن هر گونه شبهه‌ای بعد از اصلاح و بازنگری قانون اساسی و حذف شرط مرجعیت، اعضای مجلس خبرگان

رهبری، دوباره اقدام به رأی‌گیری برای انتخاب آیت الله خامنه‌ای کردند (در مرداد ۱۳۶۸)؛ چنان که حجت الاسلام و المسلمین

هاشمی رفسنجانی - از اعضای مجلس خبرگان رهبری در این زمینه می‌گوید: «... برای انتخاب آیت الله خامنه‌ای دوباره رأی‌گیری

کردیم، اول بر اساس حکم امام موقتاً آیت الله خامنه‌ای را انتخاب کردیم. بعداً که قانون اساس قانون اساسی جدید، [که بار دوم] اساسی

اصلاح شد، بیشتر از بار اول رأی آورد... و بر اساس قانون اساسی دوباره رأی‌گیری کردیم... جدید، و ایشان به صورت دائمی انتخاب

شدند.»^{۲۶} اما نکته جالب توجه دیگر، دست خط و شهادت برخی از فقهای مشهور دوران نسبت به اجتهاد آیت الله خامنه‌ای می‌باشد

که این نامه‌ها و دست خط‌ها موجود می‌باشد و در انتهای همین جزوه نیز سند آنها قرار گرفته است. از جمله این افراد حضرات آیات:

فاضل لنکرانی، محمد مومن قمی، ابراهیم امینی، یوسف صانعی، جوادی آملی، محمد یزدی، علی مشکینی و ... می‌باشند.

^{۲۵} ر.ک: گفت و گو با آیت الله سیدحسن طاهری خرم‌آبادی، مقررات و عملکرد مجلس خبرگان، فصلنامه حکومت اسلامی، سال سوم، شماره دوم، تابستان ۷۷،

صص ۱۳۳، ۱۳۱

^{۲۶} گفت و گو با هاشمی رفسنجانی، روزنامه کیهان (دوشنبه ۱۳۸۲/۱۱/۲۰)

اما شاید بد نباشد در اینجا به نظر دیگر فقیهان حاضر در جلسه مشهور خبرگان رهبری در خرداد سال ۶۸ اشاره کنیم که درباره انتخاب

آیت الله خامنه ای به عنوان رهبری چه نظری داشتند و در مورد فقاقت ایشان چه گفته بودند؟

مرحوم آیت الله ملکوتی، امام جمعه تبریز و نماینده آذربایجان شرقی در مجلس خبرگان در همان خرداد ۱۳۶۸ در گفت و گو با خبرنگار

کیهان در تبریز درباره شبهه مرجعیت آیت الله خامنه ای پاسخ داده بود:

" بر اساس اصل ۱۰۷ قانون اساسی که در آن آینده رهبری جمهوری اسلامی ایران پس از ارتحال جانشین حضرت امام خمینی پیش بینی

شده، خبرگان مردم طی یک نشست فوق العاده حیاتی برای نظام، رهبری آینده نظام را مورد بررسی قرار دادند و سرانجام با اکثریت قریب

به اتفاق آرا حضرت آیت الله خامنه ای به مقام رهبری آینده جمهوری اسلامی ایران برگزیده شد.

آیت الله ملکوتی پیرامون نظر خبرگان پیرامون شرط مرجعیت برای رهبری آینده گفت: مقصود از مرجعیت در نظر خبرگان اهلیت

مرجعیت است؛ یعنی کسی که اهلیت استنباط و استخراج حکم از ادله معتبر داشته باشد و چون آیت الله خامنه ای این قدرت و توانایی را

داشت و نیز دیگر شرایط رهبری از جمله مدیریت، تدبیر، شجاعت، آگاه و عالم به مسائل و مقتضیات روز را داشت و با در نظر گرفتن

نظر مساعد حضرت امام به ایشان که شواهد آن موجود است، مجلس خبرگان ایشان را به مقام رهبری انتخاب کرد.

وی حسن انتخاب آیت الله خامنه ای را ستود و گفت: چون اکثریت اعضای مجلس خبرگان خود مجتهدی عالم هستند؛ لذا این انتخاب بر

اساس دلایل و ادله محکم و روشن بوده است. آیت الله ملکوتی ضمن تاکید بر لزوم اطاعت و پیروی از آیت الله خامنه ای، اظهارات

مخالفان نظام در خارج از کشور را بی اساس دانست و بار دیگر بر انتخاب آگاهانه مجلس خبرگان تاکید کرد.

۴۴ نفر به رهبری فردی رای دادند

حجت الاسلام حاج سید علی محمد دستغیب، یکی از نمایندگان وقت استان فارس در مجلس خبرگان، که پس از سال ۸۸ به دلیل اختلاف

های سیاسی با آیت الله خامنه ای زاویه ای مشخص و تند پیدا کرد و به نقد رهبری پرداخت، در همان سال ها درباره چگونگی انتخاب

آیت الله خامنه ای به رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران به خبرنگار کیهان در شیراز گفت:

در جواب این سوال لازم می‌دانم که اموری را به عنوان مقدمه عرض کنم:

امر اول

الف) فقیه کسی را می‌گویند که مقدار قابل توجهی از احکام اسلام را بشناسد. به این معنی که به روایات رسیده از اهل بیت (ع) تسلط داشته باشد و صحیح را از ضعیف جدا کند و به معانی آن‌ها واقف و قدرت شناختن احکام از این روایات را داشته باشد.

ب) مجتهد کسی را گویند که قدرت استنباط و بیرون آوردن احکام خدا را از قرآن و سنت داشته باشد. حال اگر این قدرت فراگیر و به تمام احکام باشد، مجتهد مطلق و مسلم نام دارد و چنانچه به مقداری باشد مجتهد متجزی نام دارد.

ج) مرجع کسی است که در احکام اسلام مردم به او رجوع می‌کنند و مسائل دینی خود را از او می‌خواهند و به اصطلاح از او تقلید می‌نمایند و آن بر دو قسم است: مرجع بالفعل یعنی کسی که در حال حاضر مورد رجوع مردم است و مثلاً رساله دارد و دیگر مرجعی که در حال حاضر مورد رجوع مردم نیست اما صلاحیت دارد که از او تقلید نمایند.

د) فقیه و مجتهد و مرجع به کسی که در حال حاضر مرجع بالفعل باشد و یا صلاحیت داشته باشد گفته می‌شود و ممکن است کسی فقیه باشد اما مرجع نباشد؛ این نظر که لازم باشد مرجع به تمام احکام احاطه کامل داشته باشد.

ه) «ولی امر» کسی است که زمام امور مسلمانان در تمام مسائل چه عبادی و یا سیاسی و نظامی و قضایی و غیره به عهده اوست. به این معنی که لازم است موضوعات احکام را بشناسد و به اصطلاح روایت، حوادث واقعه را بداند تا بتواند احکام آن‌ها را از قرآن و روایات پیدا کند.

امر دوم

آنچه در روایات اسلامی رسیده است عنوان فقیه و یا راوی حدیث دارد، برای مثال در روایتی نقل شده که امام صادق (ع) فرمود: کسی که راوی حدیث ما باشد و احکام ما را بشناسد و در حلال و حرام ما اهل نظر باشد پس من او را حاکم بر شما قرار دادم و او حجت من

بر شماسست و در روایت دیگری است که آن دسته از فقها که خود نگهدار باشند و حافظ دین باشند و بر هوای نفس غالب باشند و مطیع اوامر خداوند باشند بر مردم لازم است که از ایشان تقلید نمایند.

امر سوم

آنچه در قانون اساسی می باشد این است که ولی امر بایستی فقیه عادل و باتقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر که اکثریت مردم او را به رهبری و مرجعیت شناخته و پذیرفته باشند.

امر چهارم

خبرگان منتخب مردم در نشست مورخه چهارده خرداد ۶۸ خود که از ساعت ۳:۵ عصر شروع شد شخص خاص و یا حتی افرادی را که قانون اساسی بر آن یک فرد و یا افراد تطبیق کند و جای هیچ گونه تاویل و توجیه نباشد پیدا نکرد. **از طرفی حضرت امام خمینی در جواب سوال حضرت آیت الله مشکینی در مورد رهبری فرمودند (فقط در مورد رهبری) ما که نمی توانیم نظام اسلامی مان را بدون سرپرست رها کنیم باید فردی را انتخاب کنیم که از حیثیت اسلامی مان در جهان سیاست و نیرنگ دفاع کند. من از ابتدا معتقد بودم و اصرار داشتم که شرط مرجعیت لازم نیست. مجتهد عادل مورد تایید خبرگان محترم سراسر کشور کفایت می کند. اگر مردم به خبرگان رای دادند تا مجتهد عادل را برای رهبری حکومتشان تعیین کنند وقتی آن ها هم فردی را تعیین کردند تا رهبری را به عهده بگیرد قهرا مورد قبول مردم است. در این صورت او ولی منتخب مردم می شود و حکمش نافذ است. به این جهت خبرگان تصمیم گرفتند که فرد یا افرادی را که مجتهد عادل بوده و سایر شرایط را دارا باشد انتخاب نمایند. پس از شور که «آیا فرد باشد یا شورا»، «فرد» به رای گذارده شد. از ۷۴ نفر حاضر در جلسه ۴۴ نفر به فردی رای دادند و دلیلشان هم این بود که اولاً حضرت امام رضوان الله علیه در جوابیه نام شورا را نبرده اند و ثانیاً (باید) تمام شرایط در هر یک از اعضای سه نفر یا پنج نفر باشد و یافتن چنین افرادی در این مدت کوتاه مشکل است؛ بنابراین با توجه به جوابیه امام و ضرورت رهبری، خبرگان در افرادی که مطرح شدند حضرت آیت الله خامنه ای را واجد شرایط دانستند و به او رای مثبت داد و در حقیقت او را به عنوان کسی که فقیه عادل دارای ینش سیاسی و اجتماعی است و شجاع و مدیر و مدبر است به مردم معرفی کرد**

تا در مورد بازنگری قانون اساسی تصمیم گرفته شود و پس از تصویب خبرگان و رای مردم به عنوان متمم قانون اساسی اعلام شود. پس از آن خبرگان نظریه خود را که به احتمال قوی همان حضرت آیت الله خامنه‌ای باشد، بگویند. ضمناً تایید حضرت امام خمینی رضوان الله علیه از حضرت آیت الله خامنه‌ای که از حضرت حجت الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی نقل شد در بیشتر شدن رای‌ها که ۶۰ نفر از ۷۴ نفر حاضر در جلسه بود، تاثیر داشت.

امام فرمود آقای خامنه‌ای هست

حجت الاسلام احسان‌بخش، امام جمعه رشت و نماینده مردم گیلان در مجلس خبرگان پس از بازگشت از تهران طی گفت‌وگویی در خرداد ۱۳۶۸، مسائل مطرح شده در جلسه خبرگان و علت انتخاب آیت الله خامنه‌ای به سمت رهبری جمهوری اسلامی ایران را تشریح نمود.

وی گفت: در قانون اساسی آمده که وظیفه خبرگان که چکیده‌هایی از شخصیت‌های علمی مملکت هستند برای تعیین امر رهبری زمانی که در مملکت برای رهبر مسائلی پیش آید، تشکیل جلسه دهند. بعد از رحلت حضرت امام که مشیت خداوند بود که ایشان دعوت حق را لبیک گفتند، در شب واقعه تلفنی اطلاع دادند که فوراً خودتان را به بیت امام برسانید. من که ساعت ۲ بعد از نیمه شب وارد تهران شدم از رحلت امام باخبر شدم. اولین وظیفه‌ای که داشتیم این بود که وصیت‌نامه امام رضوان الله علیه قدس سره که به امانت به مجلس خبرگان سپرده شده بود قرائت شود. در جلسه روز یکشنبه که اعضای مجلس خبرگان، وزرای کابینه و وکلای مجلس حضور داشتند وصیت‌نامه حضرت امام توسط آیت الله خامنه‌ای قرائت شد. سپس درها بسته شد و اعضای خبرگان در پشت درهای بسته که به مدت ۷ ساعت به طول انجامید به بحث و تبادل نظر در مورد مسائل مختلف رهبری پرداختند. در این جلسه ابتدا رهبری به صورت شورایی سه نفری و پنج نفری مطرح شد که پس از سخنان مخالف و موافق به رای گذاشته شد و رد گردید. سپس بحث پیرامون انتخاب شخصی برای رهبری جمهوری اسلامی مطرح گردید که در این زمان یکی از آقایان در مجلس با صدای بلند خطاب به آقای هاشمی رفسنجانی گفت «چرا آن چیزی که می‌دانید شهادت نمی‌دهید؟» پس از اینکه یک بار دیگر تکرار گردید، آقای موسوی اردبیلی گفت: «من هم در آن شهادت بودم.» سپس آقای هاشمی رفسنجانی ادامه داد: اگر قرار است من شهادت بدهم آن شهادت چنین است. وی گفت: «در جلسه‌ای که من،

آقای موسوی اردبیلی، نخست‌وزیر، حاج احمد آقا و خود آقای خامنه‌ای بودیم درباره رهبری خدمت امام صحبت می‌کردیم. وقتی که ما گفتیم کسی را برای رهبری نداریم، امام فرمود «چرا آقای خامنه‌ای هست». وی (حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی) افزود: «من در ملاقات خصوصی با امام که بازتر صحبت می‌کردم در مورد رهبری گفتم که کسی را نداریم و احتمال دارد در جامعه دچار مشکل شویم.» که امام فرمودند «چرا مثل آقای خامنه‌ای دارید» و مسئله سوم که آقای رفسنجانی به نقل از حاج احمد آقا گفتند چنین بود: «بدین ترتیب بود که من با امام رضوان‌الله علیه نشسته بودیم و تلویزیون تماشا می‌کردیم و آقای خامنه‌ای داشت در سفر کره شمالی صحبت می‌کرد. من گفتم: چقدر خوب صحبت می‌کند، امام فرمودند برای رهبری شایسته است».

نماینده مردم گیلان در مجلس خبرگان گفت: با این سه شهادت ما به این نتیجه رسیدیم که اگر آقای خامنه‌ای مجتهد نبود امام نمی‌فرمود که ایشان قدرت اجتهاد و استنباط دارند و از طرفی در نامه حضرت امام به آیت‌الله مشکینی که سوال شده بود آیا لازم است که ولی فقیه بعد از شما مرجع باشد؟ امام فرمودند من مرجعیت را لازم نمی‌دانم فقط اجتهاد کافی است.

وی افزود: با انتخاب آیت‌الله خامنه‌ای به سمت رهبری جمهوری اسلامی، دنیا شوکه شد و ما متوجه شدیم که عموم مردم که در خط امام هستند از این انتخاب خوشحال شدند. وی ادامه داد: شخصیت جهانی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای هنوز در سازمان ملل به عنوان گوینده‌ای که در رسایی سخنوری تاکنون به خود ندیده مطرح است.

وی در پایان در مورد انتخاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای از مردم گیلان خواست که همان‌طوری که در گذشته در خط امام بودند و صداقت از خود نشان می‌دادند همان راه و روش را ادامه داده و اطاعت از آیت‌الله خامنه‌ای را اطاعت از امام بدانند.

امام در سه مورد شایستگی آیت‌الله خامنه‌ای را تصریح فرمودند

حجت‌الاسلام امینیان نماینده مردم گیلان در مجلس خبرگان پس از بازگشت از جلسه فوق‌العاده خبرگان در مصاحبه با کیهان علت انتخاب آیت‌الله خامنه‌ای به رهبری جمهوری اسلامی را تشریح کرد. وی گفت: اعضای محترم خبرگان که نمایندگان منتخب مردم در مجلس و نخبگان علما و مجتهدین هستند در جلسه اضطراری یک روزه خود با تبادل افکار و مصلحت‌اندیشی دقیق و با در نظر گرفتن

معیارهای اسلامی و مصالح ملی و کشوری و به منظور تامین اهداف رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت آیت الله حاج سید علی خامنه‌ای را که در حال حاضر امام جمعه محترم و منتخب حضرت امام در قلب کشور و رئیس جمهوری محبوب و برگزیده ملت می‌باشند، به عنوان رهبری انقلاب شکوهمند اسلامی انتخاب و به مردم شرافتمند و شهیدپرور ایران معرفی کردند. معظم له علاوه بر شایستگی ذاتی از نظر علم، فقاہت، تقوا، جهان‌شناسی، قاطعیت، بینش سیاسی، مبارزات انقلابی، مناعت طبع، صلابت نفس، جامعیت مکارم و محاسن، داشتن اندیشه‌های پرمحتوای مذهبی، قدرت بیان، نیروی قوی تحلیل‌های سیاسی - اجتماعی، سوابق بسیار روشن و مثبت، مورد عنایت مخصوص حضرت امام رضوان الله تعالی علیه بوده که در موارد و مناسبات خاصی به آن اشارت فرمودند.

حضرت امام قدس سره حداقل در سه مورد، لیاقت و شایستگی معظم له را برای مقام رهبری تصریح فرمودند. این موارد در مجلس خبرگان مطرح شد. دو مورد آن را حضرت مستطاب حجت الاسلام آقای هاشمی رفسنجانی دامت برکاته از حضرت امام نقل نمودند. حضرت آیت الله جناب آقای مشکینی ریاست محترم هیأت رئیسه مجلس خبرگان و حضرت آیت الله موسوی اردبیلی ریاست محترم دیوان عالی کشور و بعضی از علمای دیگر که در محضر مبارک حضرت امام حضور داشتند و از زبان مبارک ایشان شنیده بودند، تایید و تصدیق فرمودند.

نمایندگان محترم مجلس خبرگان پس از شنیدن ماجرا و علم و اطلاع یافتن از نظر مبارک حضرت امام، با کمال رضایت و خوشی و با کمال افتخار به رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای رای مثبت داده و به ملت شریف ایران و مسلمین جهان معرفی نمودند. اینجانب این انتخاب بسیار شایسته را به مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای تبریک و تهنیت عرض نموده، موفقیت کامل ایشان را از خدای بزرگ خواهانم.

کسانی که رای منفی دادند با آقای خامنه‌ای مخالف نبودند

مرحوم حجت الاسلام والمسلمین مروج امام جمعه اردبیل و نماینده مردم آذربایجان شرقی در مجلس خبرگان طی گفت‌وگویی با خبرنگار کیهان دلایل انتخاب آیت الله خامنه‌ای به رهبری جمهوری اسلامی ایران را اعلام کرد.

وی گفت: بر طبق اصل ۱۰۷ قانون اساسی پس از رحلت جانگداز امام امت، خبرگان تشکیل جلسه داد و با توجه به ضرورت و اهمیت مسئله، بحث در مورد رهبری را شروع نمود. در این جلسه ابتدا پیرامون شورایی و یا انفرادی بودن رهبری بحث شد که در نهایت با اکثریت آرا، تک‌رهبری بودن به تصویب رسید و سپس با توجه به اینکه آیت‌الله خامنه‌ای شخصی است مدیر، مدبر، آگاه به مسائل روز برخوردار از فعالیت و اجتهاد، مقبول بودن در نزد علمای حوزه علمیه قم و مشهد، داشتن سابقه مبارزاتی درخشان، مساعد بودن نظر حضرت امام به ایشان بر طبق شواهد موجود و شجاعت نفسانی وی موجب آن شد که خبرگان علی‌رغم عدم تمایل شخص آیت‌الله خامنه‌ای، نامبرده را با اکثریت آرا به رهبری جمهوری اسلامی ایران انتخاب نمایند.

وی در پایان یادآور شد کسانی که در این انتخاب رای منفی دادند با آقای خامنه‌ای مخالف نبودند، بلکه آنان طرفدار شورایی بودن

رهبری بودند .

مرجعیت آیت الله خامنه ای

بعد از رحلت امام خمینی (ره) در خرداد ۱۳۶۸، حوزه علمیه قم و بسیاری از نهادهای مهم روحانیت همانند جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و جامعه روحانیت مبارز تهران، مرجعیت آیت الله العظمی اراکی را به طور رسمی اعلام کردند. این مرجعیت و فراگیری از همان خرداد ۱۳۶۸ اعلام شد و تا آذر ماه ۱۳۷۳ نیز ادامه داشت.

مرحوم آیت الله اراکی داماد محمد ابراهیم خوانساری (صاحب مدرسه حاج محمد ابراهیم) و باجناق مرحوم آیت الله عبدالکریم حائری یزدی نیز بود. وی پس از مهاجرت آیت الله عبدالکریم حائری یزدی به قم از اراک به قم رفت و تا پایان عمر در حوزه علمیه قم ماند. ایشان در اواخر عمر به شیخ الفقهاء و المجتهدین ملقب شد. ایشان کمی بیش از ۱۰۰ سال عمر کردند و سرانجام در ۸ آذرماه ۱۳۷۳ در قم وفات یافتند و بحث جدی آینده مرجعیت در ایران مطرح شد.

بعد از وفات حضرت آیت الله اراکی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم بعد از برگزاری جلسات متعدد، با صدور بیانیه ای در تاریخ ۱۱ آذر ماه سال ۱۳۷۳ اسامی حضرات آیات که واجد شرایط مرجعیت هستند را اعلام کرد. در این بیانیه آمده بود:

«موضوع مرجعیت از اعظم مسائلی است که نمی تواند از مصالح مسلمین و استقلال و عظمت آنان جدا و منفک باشد و یا بدون توجه به دسیسه ها و توطئه های کفر و استکبار بر ضد اسلام مورد بررسی و امعان نظر قرار گیرد. لذا جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در جلسات متعدد این موضوع را مورد بحث و تبادل نظر قرار داد تا اینکه در جلسه مورخ جمعه ۱۱/۹/۷۳ به این نتیجه رسید که حضرات آیات آقایانی که ذیلاً نامشان یاد می شود واجد شرایط مرجعیت می باشند و تقلید از هر کدام آنان جایز است. والله العالم: ۱- حضرت آیت الله حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی، ۲- حضرت آیت الله حاج شیخ محمد تقی بهجت، ۳- حضرت آیت الله حاج سیدعلی خامنه ای (مقام معظم رهبری)، ۴- حضرت آیت الله حاج شیخ حسین وحید خراسانی، ۵- حضرت آیت الله حاج شیخ جواد تبریزی، ۶- حضرت آیت الله حاج سید موسی شبیری زنجانی، ۷- حضرت آیت الله حاج شیخ ناصر مکارم شیرازی دامت برکاتهم.»

هم زمان جامعه روحانیت مبارز تهران هم در بیانیه ای فقهایی که تقلید از آنها صحیح و مبری الذمه را اعلام کرد که نام آیت الله خامنه ای نیز در بیانیه جامعه روحانیت مبارز به عنوان یکی از مراجع جایز التقلید ذکر شده بود. در سال های اخیر البته نام حضرات آیات سیستانی و شبیری زنجانی نیز به اسامی قبل اضافه شده بود.

اما اولین کسی که مرجعیت آیت الله خامنه ای را با توجه به جایگاه علمی و فقهی ایشان رسماً مطرح کرد، آیت الله محمد یزدی در خطبه های نماز جمعه تهران در همان آذرماه سال ۱۳۷۳ بود. اهمیت جایگاه رهبری و تکمیل شدن آن با مرجعیت از جمله مسائلی بود که باعث شد تا بحث مرجعیت آیت الله خامنه ای نیز در همان سال مطرح شود. آیت الله یزدی با اشاره به جلسات فقهی و علمی ای که با آیت الله خامنه ای داشتند گفتند:

«طبعاً علائم مسأله اجتهادی و علمی و مرجعیت، که متکی به مبانی تعیین شده است، برای مقام معظم رهبری در همین جلسات، برایم روشن تر شد؛ علت این که پس از رحلت امام خمینی (ره) و رحلت بعضی از مراجع مطرح در قم، بنده مرجعیت را اعلام کردم، این نکته

بود که بنده در طول این فاصله زمانی و جلساتی که از زمان ریاست جمهوری مقام معظم رهبری برگزار شد، به پایه علمی و قدرت استنباط و اجتهاد و در حقیقت بنیه اجتهادی و استدلالی ایشان و همچنین تسلط بر علوم مختلفی که باعث اجتهاد است، پی بردم و دیدم، در ردیف متخصصین قرار گرفته‌اند؛ به همین دلیل وظیفه شرعی خودم دیدم، که مرجعیت ایشان را اعلام کنم. فکر می‌کنم اولین کسی که مرجعیت مقام معظم رهبری را در رسانه‌های عمومی اعلام کرد، من بودم که این مهم را در خطبه‌های نماز جمعه تهران اعلام کردم».

۲۷

بعد از اعلام رسمی مرجعیت آیت الله خامنه‌ای توسط جامعه مدرسین حوزه علمیه قم نیز بسیاری از فقها و مراجع آن زمان به صورت کتبی و شفاهی مرجعیت ایشان را تأیید کردند. البته قبل از این در سال ۷۱ نیز تأییدات کتبی برخی از فقها در تأیید اجتهاد مقام معظم رهبری، در کتاب «درر الفوائد فی اجوبه القائد» به چاپ رسیده بود.

آیت الله مشکینی نیز در مورد توانایی اجتهاد مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «حضرت مستطاب آیت الله حاج سیدعلی خامنه‌ای (مد ظله العالی) واجد مقام فقاها و اجتهاد و قدرت استنباط احکام شرعیه که تصدی مقام معظم رهبری بدان نیازمند است، می‌باشند».

آیت الله مومن یکی دیگر از فقهایی است که در کتاب «درر الفوائد فی اجوبه القائد» به تأیید مقام اجتهاد آیت الله خامنه‌ای پرداخته است. ایشان در این مورد می‌نویسند: «هنگام رای‌گیری در مجلس خبرگان برای رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای - دامت برکاته - اجتهاد معظم له با قیام هیات شرعیه نزد این جانب ثابت بود، ولی بعداً به واسطه حضور در جلسات مباحثه فقهی، شخصاً به اجتهاد ایشان پی بردم و اکنون شهادت می‌دهم که معظم له، مجتهدی عادل و جامع شرایط می‌باشد».

مرحوم سید احمد خمینی (ره) بعد از انتخاب آیت الله خامنه‌ای به عنوان رهبری به نظر امام خمینی (ره) در مورد اجتهاد ایشان اشاره می‌کنند؛ ایشان در این مورد می‌گویند: «حضرت امام بارها از جناب عالی به عنوان مجتهدی مسلم و بهترین فرد برای رهبری نام بردند».^{۲۸}

آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی در مورد جایگاه علمی و فقهی مقام معظم رهبری می‌گوید: «بنده مدتهاست در خدمت مقام معظم رهبری در بحث‌های فقهی مفصل و بسیار سختی که در مسائل مستحدثه و محل‌ابتلای نظام انجام می‌گیرد، حاضر بوده‌ام معمولاً در این مسائل مستحدثه که فقهاء هم بحثی را ارائه نداده‌اند، یا کمتر ارائه داده‌اند آن قابلیت‌ها و ویژگی‌های اجتهادی یک مجتهد مطلق مشخص و نمایان می‌شود..... بالاخره از نظر مجتهد مطلق بودن مقام معظم رهبری جای شکی نیست».^{۲۹}

آیت الله جنتی نیز با تأیید مرجعیت آیت الله خامنه‌ای می‌گویند: «تقلید از مقام معظم رهبری بلا اشکال و موجب تقویت اسلام و انقلاب و قطع امید دشمنانی است که می‌خواستند از طریق دخالت در این امر حیاتی، نظام جمهوری اسلامی را تضعیف نمایند».^{۳۰}

^{۲۷} <http://aftabnews.ir/vdcgyz9qzak9qv4.rpra.html>

^{۲۸} <http://www.hawzah.net/fa/question/questionview/63056>

^{۲۹} <http://www.hawzah.net/fa/article/articleview/63033>

^{۳۰} <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8907181550>

آیت الله راستی کاشانی با تأکید بر لزوم تقلید از آیت الله خامنه‌ای می‌گویند: «وجوب پیروی و اطاعت از ولی امر مسلمین حضرت آیت الله خامنه‌ای در احکام مربوط به جامعه اسلامی (فقه حکومتی) بر کسی پوشیده نیست و اما در احکام شخصی (اگرچه همان گونه که ایشان در پیام تسلیتشان فرمودند در حوزه علمیه قم مجتهدینی که جامع شرایط تقلید باشند وجود دارد ولی) در شرایط موجود که تشخیص اعلم ولو احتمالاً متعذر یا متعسر است تقلید معظم له که یگانه حافظ و نگهبان مصالح اسلام و مسلمین اند مجزی و مبرئ ذمه، بلکه با توجه به توطئه‌های دشمنان اسلام و خوف تفرقه در صفوف مومنین، اولی می‌باشد.»^{۳۱}

آیت الله حاج شیخ رضا استادی، آیت الله حاج شیخ احمد محسنی گرکانی، شهید آیت الله حاج سید محمد باقر حکیم، مرحوم آیت الله حاج شیخ ابوالفضل خوانساری، مرحوم آیت الله حاج سید اسماعیل هاشمی، مرحوم آیه الله حاج شیخ مرتضی بنی فضل، مرحوم آیت الله سید حسن موسوی همدانی، حاج سید جلال الدین طاهری اصفهانی، آیه الله حاج شیخ محمد ابراهیم جنّاتی، آیت الله حاج سید کمال فقیه ایمانی، آیت الله حاج شیخ هادی روحانی، آیت الله حاج شیخ عباس واعظ طبسی، آیت الله حاج شیخ هادی باریک بین، آیت الله حاج شیخ احمد صابری همدانی، آیت الله حاج سید علی شفیعی، آیت الله حاج سید محمد علی موسوی، آیت الله حاج شیخ محمد حسین زرنندی و مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالحسین غروی از دیگر علما و فقهای بودند که اجتهاد و مرجعیت مقام معظم رهبری را تأیید کردند.^{۳۲}

با وجود اینکه در سالهای اخیر برخی دشمنان جمهوری اسلامی برای ایجاد شکاف بین مردم و مقام معظم رهبری شبهات فراوانی در مورد جایگاه علمی و فقهی ایشان مطرح کرده اند شاهد آن هستیم که مراجع و فقهای بسیاری از زمان اعلام مرجعیت ایشان به تأیید توانایی اجتهاد ایشان پرداخته‌اند. آنچه از صحبت‌ها و بیانیه‌های صادر شده در طی بیست و نه سال گذشته به دست می‌آید اجتهاد مطلق مقام معظم رهبری است.

<http://salehat.ir/index.php/component/content/article/۹۶-khamenei/feghahat/۱۴۴-۱۳۷۳-۷۱۵-۱۴۴>

<http://salehat.ir/index.php/۲۰۱۳-۰۳-۰۸-۱۷-۲۲-۳۳۲۲>

اسناد و تصاویر

خبر رحلت امام خمینی (ره) در روزنامه های ۱۵ خرداد ۱۳۶۸

پس از بازگشت از اردو و حضور در پاکستان
انفجار بک بمب لوی، مرکز فرهنگی انگلیس در
اسلام آباد را به لرزه درآورد

جمهوری اسلامی
شماره ۲۰۰
تکثیر ۸۰۰۰

سنگینی شورای ائتلاف هشتگانه از تصمیم
اجلاس کنفرانس اسلامی برای واگذاری
کرسی افغانستان به مجاهدین تقدیر کرد

درگیریهای شدید، اکثر
مناطق بیروت را
درببر گرفت

کار بازاری هزار واحد
مسکونی و تجاری شهرستان
سردشت به پایان رسید

پنجمین سمینار
علمی ترویج
کشاورزی کشور در
اصفهان گشایش
یافت

معاون طرح و برنامه وزارت کشاورزی
جمهوری اسلامی برای گشایش سمینار
تهای باید کشاورزی را در رأس برنامه ها
قرار دهد

موافقت امام خمینی
با استعفای آیت الله منتظری

آیت الله منتظری طی نامه ای خطاب به
امام از جبهه تعالی تقاضای کمی به
مجلس خبرگان دستور عید مصلحت
ایند اسلام و انقلاب و کشور را تقاضا
در نظر بگیرند و به این امر فراموش
همچون گذشته پاک طبع و فراموش
حوزه علمیه به تدریس فقهائیه علمی
و خدمت به اسلام و انقلاب زیر سایه
و رهبری حکیمانه حضرتعالی اشتغال
داشتند

ساختمان بخش تحقیقاتی نظامیان
اسرائیل در جنوب لبنان منفجر شد

برای جلوگیری از تاراجهای
نبرد به سوی بیوم الارض رژیم
صهیونیستی ۵ هزار
نیروی نظامی و پلیس
را در بخش غربی نشین فلسطین
اشغالی مستقر کرد

زودخورد هاتا دوروز گذشته در
ایالت «کوسوو» یوگسلاوی دهها
کشته و زخمی برجای گذاشت

در جریان حمله های
نیروهای یوگسلاوی در
ایالت کوسوو، دهها
کشته و زخمی برجای
گذاشت

هنگامی که این اتفاق
میدان را در آنجا که
در آنجا حضور داشت

سوریه از تهدیدات
مستعدان که در آنجا
حضور داشتند

در جریان حمله های
نیروهای یوگسلاوی در
ایالت کوسوو، دهها
کشته و زخمی برجای
گذاشت

در جریان حمله های
نیروهای یوگسلاوی در
ایالت کوسوو، دهها
کشته و زخمی برجای
گذاشت

تکاوران لشکر ۲۳
نیروهای مخصوص
همنسنگ می پذیرد

دکتر ولایتی نگرانی ایران نسبت به عدم تخلیه
اراضی اشغالی و نقض مکرر آتش بس از سوی
عراق را به اطلاع فرستاده و بزرگوار کل رسانده

دکتر ولایتی در دیدار با فرستاده ویژه ایران در امور
نرو وای معاصر صلح به نام آتش بس توسط عراق گفتگویی
تکرار کرد

کلیه معتمدان به
اردوگاههای کار
منتقل خواهند شد

گردهمایی علمی دبیران
پیش دینی سراسر کشور
در اصفهان برپا شد

بهای نفت خدام در سوریه و یوگسلاوی افزایش یافت

حجم تجارت کالاها در
جهان در سال گذشته
۸/۵ درصد افزایش
یافت

تکاوران لشکر ۲۳
نیروهای مخصوص
همنسنگ می پذیرد

در جریان حمله های
نیروهای یوگسلاوی در
ایالت کوسوو، دهها
کشته و زخمی برجای
گذاشت

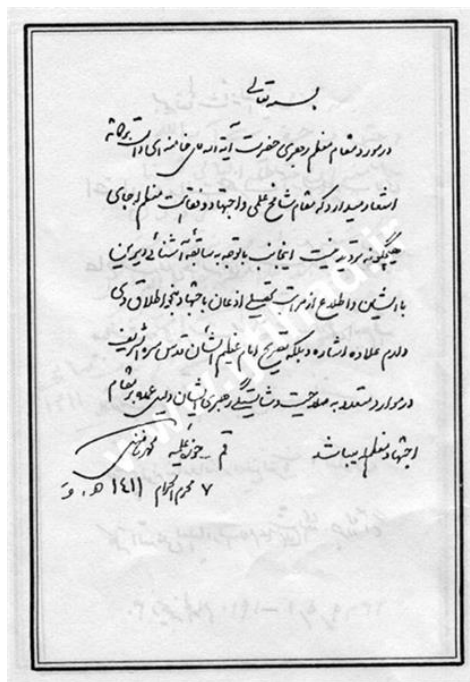
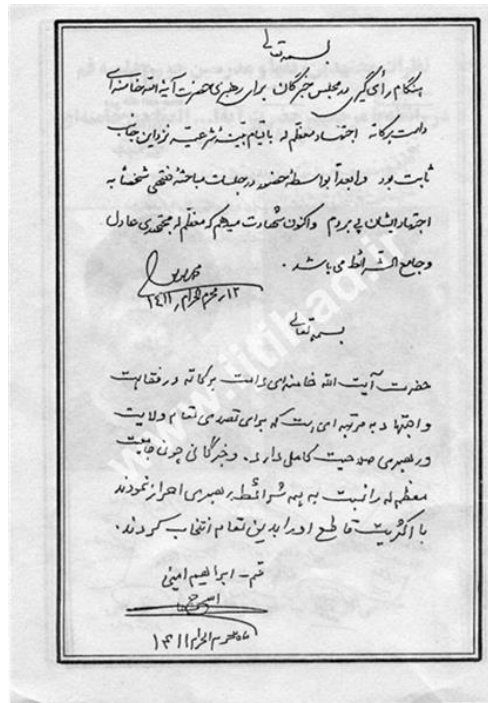
استعفای آیت الله منتظری از قائم مقامی رهبری در ۱۸ فروردین ماه ۱۳۶۸ در جامعه جنجالی شده بود، و به ظاهر آینده جمهوری
اسلامی ایران را در ابهام قرار می داد.



قرائت وصیت نامه امام (ره) توسط آیت الله خامنه ای در ۱۴ خردادماه ۱۳۶۸



نمایی از جلسه تاریخی خبرگان رهبری در ۱۴ خرداد ۱۳۶۸



پس از به مقام رهبری رسیدن آیت الله خامنه ای، جمعی از فقها و مجتهدین شناخته شده، اجتهاد ایشان را تأیید کردند.



در تاریخ ۱۳۳۳
شماره ۱۳۳۳
بیروت

بیتان

دفتر جامعه مدرسين
حوزه علميه قم

پياميه مهم جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در باره مرجعیت

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع مرجعیت از انقضا مسائل است که نمی‌تواند از مصالح مسلمین و استقلال و عظمت آئین خدا و منافع باشد و با بدون توجه به سمیهها و توضیحات کفر و امتیاز بر ضد اسلام مورد بررسی و ابعاد نظر قرار گیرد.

لذا جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در جلسات متعدد این موضوع را مورد بحث و تبادل نظر قرار داد تا اینکه در جلسه مورخ جمعه ۱۳/۹/۶۲ به این نتیجه رسید که حضرات آیات آقابانی که فیلسا سامان بباد می‌خورند واجبه شرایط مرجعیت می‌باشند و تقلید از هر کدام آنان جایز است و والله العالم

- ۱- حضرت آیت الله حاج شیخ محمد فاضل انصاری
- ۲- حضرت آیت الله حاج شیخ محمد تقی بهجت
- ۳- حضرت آیت الله حاج سیدعلی خامنه‌ای (مقام معظم رهبری)
- ۴- حضرت آیت الله حاج شیخ حسین وهبه خراسانی
- ۵- حضرت آیت الله حاج شیخ جواد تبریزی
- ۶- حضرت آیت الله حاج سیدموسی شبیری زنجان
- ۷- حضرت آیت الله حاج شیخ ناصر مکارم شیرازی

با امضاء و تأیید

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم



قم - خیابان پیادستان فاطمی - تلفن ۳۳۰۹۵ و ۳۲۲۲۲

در پائیز سال ۱۳۳۳ و پس از رحلت مرحوم آیت الله العظمی محمد علی اراکی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ۷ نفر از مجتهدین را به عنوان مرجع تقلید پیشنهاد و معرفی نمود که سومین نفر آنها آیت الله خامنه ای بود.



آیت الله خامنه ای پس از رسیدن به مقام رهبری؛ در مراسم ترحیم امام خمینی (ره)



پس از رسیدن آیت الله خامنه ای به مقام رهبری، یکی از مخالفین و منتقدین مقام رهبری و اجتهاد ایشان آیت الله منتظری و افراد نزدیک به ایشان بودند که با انتقاد برخی از چهره های جریان چپ خط امام (اصلاح طلبان) مواجه شدند.

فرمانده کل قوا به فرمانده ارتش
تفاهات را تسخیر کردند

فرمانده کل قوا به فرمانده ارتش تفاهات را تسخیر کردند. در این راستا، فرمانده کل قوا به فرمانده ارتش دستور داد تا با استفاده از تمام توانهای نظامی، تفاهات را تسخیر کند. این عملیات با موفقیت انجام شد و تفاهات تسخیر گردید.

۲۰ میلیارد تومان اعتبار برای ایجاد ۲۴ هزار شغل اختصاص یافت

۲۰ میلیارد تومان اعتبار برای ایجاد ۲۴ هزار شغل اختصاص یافت. این اعتبار به منظور ایجاد اشتغال برای جوانان و رفع مشکلات معیشتی آنها تخصیص داده شد. دولت متعهد شده است که این شغلها را در اسرع وقت ایجاد کند.

کروبی توطئه جدید هواداران آقای منتظری برای انتقام جویی از امام را افشا کرد

کروبی توطئه جدید هواداران آقای منتظری برای انتقام جویی از امام را افشا کرد. این توطئه شامل اقدامات مختلفی برای ایجاد تنش و ناآرامی در جامعه بود که با موفقیت کشف شد. مقام رهبری تأکید کرد که هیچگاه اجازه نخواهد داد تا با این اقدامات غیرقانونی برخورد نشود.

بررسی مسائل کشور در نشست مشترک نمایندگان مجلس و اعضای هیات دولت

بررسی مسائل کشور در نشست مشترک نمایندگان مجلس و اعضای هیات دولت. در این نشست، مسائل مهم کشور مورد بحث و بررسی قرار گرفت و راهکارهای لازم برای حل این مسائل اتخاذ شد. این نشست به صورت منظم و مستمر برگزار خواهد شد.

کروبی تلاش برای پیش کشیدن موضوع جریان سید امامی جهت پوشاندن اشتباهات جریان ناپذیر انجام شده در پشتیبانی از طیف مهدی هاشمی را تبیین کرد

کروبی تلاش برای پیش کشیدن موضوع جریان سید امامی جهت پوشاندن اشتباهات جریان ناپذیر انجام شده در پشتیبانی از طیف مهدی هاشمی را تبیین کرد. این اقدامات به منظور تغییر افکار عمومی و ایجاد شکاکیت در برابر مقام رهبری صورت گرفته است که باید با قاطعیت پاسخ داده شود.

سیما پیرکون سیمایه سالاری در آستان قلمها

سیما پیرکون سیمایه سالاری در آستان قلمها. این مجموعه شامل آثار ادبی و پژوهشی است که به بررسی مسائل فرهنگی و اجتماعی جامعه می پردازد. این آثار با نثر روان و تحلیل عمیق شناخته شده است.

امیران و گنجی را میزبان

امیران و گنجی را میزبان. این بخش به معرفی افراد برجسته و آثار ارزشمند می پردازد که در حوزه های مختلف علمی، فرهنگی و هنری فعالیت داشته اند. این افراد به عنوان الگو و سرمشق برای جوانان معرفی می شوند.



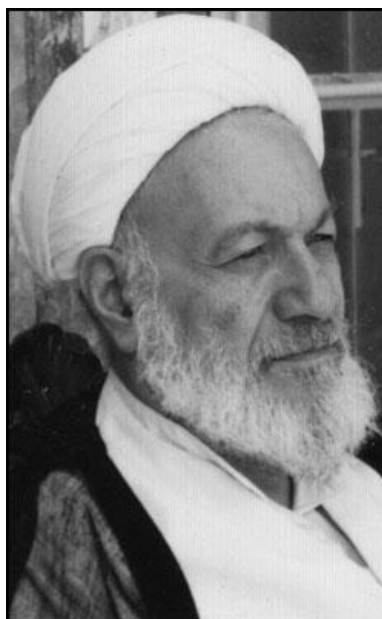
جامعه روحانیت مبارز تهران نیز نام چند نفر از فقها از جمله مروحومان حضرات آیات بهجت و فاضل لنکرانی را به عنوان مرجع تقلید پیشنهاد و معرفی کردند که آیت الله خامنه ای نیز از جمله آنها بودند.



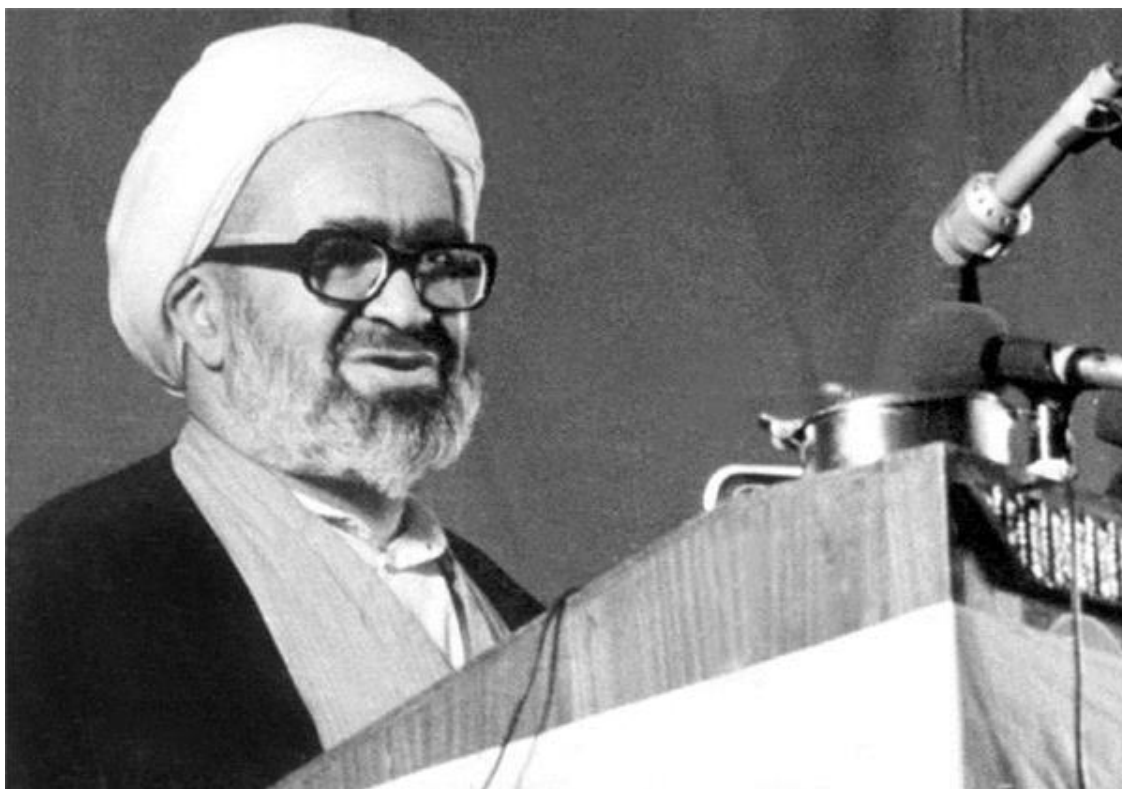
آیت الله محمد مومن، از اعضای وقت شورای نگهبان و مجلس خبرگان رهبری در سال ۶۸ بودند که رهبری و اجتهاد آیت الله خامنه ای را تأیید کردند. در عین حال به دلیل رابطه نزدیک و دوستانه با آیت الله منتظری نظرات ایشان را هم به آیت الله خامنه ای منتقل می کردند.



آیت الله محمد یزدی، اولین فردی که مرجعیت آیت الله خامنه ای را در سال ۱۳۷۳ پیشنهاد و اعلام کردند.



آیت الله احمد آذری قمی در سال ۱۳۶۸، از حامیان رهبری آیت الله گلپایگانی بودند که پس از رای نیاوردن نظر ایشانف از رهبری آیت الله خامنه ای حمایت کردند. اما از سال ۱۳۷۶ به منتقد رهبری تبدیل شدند. وی در بهمن ماه سال ۱۳۷۷ در بیمارستان درگذشت.



آیت الله حسینعلی منتظری همواره از سال ۱۳۶۸ تا آخر عمر از منتقدین رهبری و مخالفین مرجعیت آیت الله خامنه ای محسوب می شدند و شاگردان و نزدیکان ایشان همواره سعی در ایجاد شبهه در عملکرد رهبری و نظام جمهوری اسلامی ایران داشته و دارند.